

هرضی ندارم لکن چون پیشنهادی که در اظهار  
تنفر شده بود بنده یکی از کسانی بودم که آن را  
امضاء کردم و این اظهاراتی که شد راجع به آن  
پیشنهاد بود اجازه می خواهم که توضیح بدهم دلایل  
خود را و باید هم شما اجازه بدهید که دلایل خودم را  
اظهار بدارم.

**نایب رئیس** - بفرمائید.

**ههززالملك** - خود آقای آقا میرزا اسدالله  
خان اینجا اذعان و تصدیق فرمودند که اگر يك  
و کیلی عقیده اش برخلاف اظهارات يك وکیل  
دیگر است ممکن است بیاید به محل نطق و دلایل  
خودش را اظهار بکند پس اگر چهل نفر از  
نمایندگان مخالف اظهار يك ناطقی باشند ممکن است  
فرد آفرید و اظهار رأی و عقیده خودشان را بنمایند و  
همین طور ممکن است آن چهل نفر آراء و عقاید خودشان  
را روی کاغذ بیاورند و آنهار مخالفت با اظهار آن  
ناطق بکنند - الا جهة اینکه اظهار کردیم چه بود  
جهت این بود يك نفر البته حق دارد که اظهار  
عقیده خود را بکند و هر چه می خواهد بیان نماید  
و آزاد است ولی هیچ قانونی چه قانون مملکتی  
و چه وجدانی اجازه نمی دهد يك نفر نماینده که  
آزادی پارلمانی را شمشیر دست خودش بکند و  
بیاید در این جا مقاصد شخصی خودش را پیش ببرد  
و بنده که یکی از نمایندگان و امضاء کنندگان  
آن لایحه هستم حق خودم میدانم که اظهار تنفر  
از بیانات يك نماینده ای بنمایم و آن لایحه هم  
در جلسه قبل پیشنهاد شد بمنزله يك کلکسیون و  
يك قطعنامه ای است که از طرف نمایندگان  
پیشنهاد شد و آراء و عقاید خودشان را در آن  
اظهار کردند.

**آقای میرزا ابراهیم خان** - هیچ شبهه نیست  
که قوانین وضع نمی شود مگر برای احتیاجات هر  
احتیاجی يك جمعیتی را مجبور می کند به جعل قوانین  
و قواعد و نظاماتی برای حفظ حدود خودشان البته  
آقایان ملاحظه فرموده اند که مذاکرات خارج از  
دستور قبل از شروع بدستور مجلس اصل مطلب و  
موضوع دستور مجلس را لغو می کند بلکه بسا هست  
که تولید اشکالات دیگری می کند که خیلی اسباب  
تأسف و ملالت است اگر چه بنده دیر روز فرض از آن  
پیشنهاد برای همان دیر روز بود که فی مابین آقایان  
نمایندگان محترم يك حرارتی می دیدم و تصور می کردم  
که يك مذاکرات مختلفی بشود که بکلی ترتیب مجلی  
و موضوع مذاکرات دستور مجلس را از بین ببرد  
ولی مأسفانه امروز بدتر از دیر روز است این نظامنامه  
داخلی را کی نوشته و کی به این مواد نظامنامه رای  
داده است مسلم است که همین آقایان محترم نظر  
بلزوم حفظ نظامات و ترتیب مجلس این مواد صد و  
چند گانه را نوشته اند و خود این هیئت محترم می توانند  
هر يك از آن مواد را که بخواهند نسخ نمایند یا اینکه  
يك ماده را بر او اضافه بکنند این ترتیبی را که پیش  
آمده است و شروع کرده ایم خیلی متأسفم از این  
که مو و مذاکرات مجلس را که برای رفع احتیاجات

مملکتی است بواسطه اظهارات شخصی موقوف می ماند  
مثل اینکه آقای آقا میرزا اسدالله خان مخالف  
میل جماعتی يك اظهاری کردند و آن جماعت  
هم از بیانات ایشان اظهار تنفر کردند در  
صورتی که این مطالب هیچ ربطی موضوع مذاکرات  
مجلس ندارد و امور عامه از برای اختیارات شخصی  
هیچوقت نباید معطل و مهمل بماند و البته بهتر این  
است که اگر چنانچه ماها يك اشکالی فی مابین خودمان  
داریم در اطاق تنفس که مانعی نداریم آن مذاکرات  
را بنمایم و در مجلس وقتیکه وارد می شویم بآن  
وظیفه ای که از برای ما معین شده است رفتار بنماییم  
از این جهت و برای حفظ این نزاکت در آینده باز  
بنده آن پیشنهادی را که دیر روز کردم و قصد فقط  
حفظ نظم و ترتیبات جلسه دیر روز بود تجدید می کنم  
و از آقایان نمایندگان محترم استدعا می کنم که  
تصویب بفرمایند که قبل از شروع بمذاکرات ناطقی  
که خارج از دستور است نشود و هر کسی هر حرفی  
دارد از برای اتفاقاتی که افتاده است و از برای مطالب  
اصاسی که بخاطر مبارکشان رسیده است در ختم  
مجلس اظهار بفرمایند که در ختم جلسه هم ما بزودی  
متفرق نشویم و بدانیم که مطالب دیگری هم هست  
که باید در مجلس مذاکره بشود و استدعا می کنم  
که این پیشنهاد را اگر تصویب میکنند در ثانی  
داخل مذاکرات خارج از دستور نشوند.

**نایب رئیس** - در خصوص این پیشنهاد که  
می فرمایند باید يك جلسه در آن مذاکره کرد امروز  
با کمال تأسف باید خاطر نمایندگان محترم را  
مستحضر بکنم که آقای ذکاء الملك از مقام ریاست  
مجلس شورای ملی استعفا داده اند و بایستی بموجب  
ماده ۱۰۰ زدهم نظام نامه داخلی مجلس در تحت  
ریاست مسن ترین نایبان منعقد شده است نمای  
ایشان قرائت شود ولی با همان افسوس مجبورم عرض  
کنم که مسن ترین نایبان رئیس هم که آقای حاج  
سید نصراله می باشند ایشان هم استعفا داده اند این  
است که این زحمتی را که بنده هیچ رضی نبودم در ره جو  
موقمی بدوش بگیرم متحمل شدم حالا اگر آقایان  
نمایندگان محترم اجازه می فرمایند هر دو استعفا  
نامه را قرائت نمایند.

(بقرار ذیل قرائت گردید)  
مقام منیع مجلس مقدس شورای ملی شیداله  
ارکانه  
بنده با کمال شرمساری از این که مقداری از  
اوقات شریفه مجلس مقدس را مصروف شخص خود  
می نمایم از آن محضر مبارک استدعا می کنم استعفا  
بنده را از مقام ریاست قبول فرمایند.

[دوم استعفانامه آقای حاج سید نصراله بمضمون  
ذیل قرائت شد]  
مقام محترم ریاست مجلس مقدس شورای ملی  
شیداله ارکانه  
این بنده از مقام نیابت ریاست مجلس استعفا  
دادام مستدهی است تکلیف شود برای اشغال آن  
مقام دیگری انتخاب فرمایند.

**نایب رئیس** - بموجب همان ماده در نظام  
نامه داخلی که عرض شد حالا این جلسه می باید  
اختتام بیاید دستور جلسه روز سه شنبه همین دستور  
است بلاواسطه انتخاب بکنفر رئیس و يك نفر نایب رئیس  
[مجلس يك ساعت قبل از غروب آفتاب ختم شد]

**جلسه ۲۰۴**

**صورت مشروح مجلس روز ۳ شنبه**

**۲۹ شهر محرم الحرام سنه ۱۳۲۹**

مجلس يك ساعت و ۵ دقیقه قبل از غروب  
ریاست آقای متین السلطنه تشکیل شد.

آقای معاضد الملك صورت مجلس يوم شنبه ۲۹  
شهر مزبور را قرائت کردند.

( اسامی غائبین بقرار ذیل قرائت شد )

آقایان مستشار الدوله - وحید الملك -  
دهخدا - سپه دار اعظم - سردار احمد - حاجی  
سید نصرالله - کاشف - آقا سید محمد باقر ادیب  
با اجازه غائب بودند آقایان آقا شیخ رضا حاجی  
وکیل الرعایا - علی زاده بموقع حاضر نشدند.

**نایب رئیس** - در صورت مجلس اگر  
ملاحظاتى هست خواهند فرمود - ملاحظاتى نیست؟  
[ اظهاری نشد و صورت مجلس را امضاء  
فرمودند ]

**آقا شیخ اسدالله** - بنده تقاضا می کنم که  
انتخاب رئیس و نایب رئیس را در آخر جلسه قرار  
بدهند و حالا شروع بدستور مجلس بشود.

**سلیمان میرزا** - اگر این مطلب قبول  
شود عرایض بنده هم در آخر جلسه خواهد بود

**ارباب کبخسرو** بموجب نظام نامه داخلی  
تا امروز صبر کردیم و امروز کاریکه باید بکنیم  
انتخاب رئیس و نایب رئیس است کار دیگر نداریم  
ویش از سه روز نمی شود این انتخاب را تعویق  
انداخت بنده نمیدانم جهت اینکه این تقاضا شده  
است چیست؟

**نایب رئیس** - این اهمیتی نخواهد داشت بسته  
بنظر نمایندگان محترم است اگر نمایندگان محترم  
به تقاضای خودشان باقی وثابت نیستند شروع به  
انتخاب رئیس میکنند.

**شیخ اسدالله** - در اینجا بنده نظر بیک  
نقطه داشتم که اگر عرض می کردم گویا نمایندگان  
هم می پذیرفتند ولی زیاد هم اصرار ندارم اگر  
ارباب می فرمایند که مطابق قانون الان باید انتخاب  
رئیس یا نایب رئیس بشود و بنده تقاضای خود را  
پس می گیرم.

**نایب رئیس** - شاهزاده سلیمان میرزا فرمایشی  
داشتید.

**سلیمان میرزا** بر هیچکس نمی توان تکلیف  
کرد که دادای يك مسلمك و سلبه باشد این محقق  
است و جای هیچ شبهه و مذاکره نیست و محققاً در  
تمام مجالس و پارلمانهای ممالک دنیا احزاب مختلف  
و فرق سیاسی هستند که نظریات سیاسی خودشان  
را موجب سعادت و ترقی این مملکت می دانند لکن  
در مملکت بعضی از مقامات است که وقتی  
که شخصی دارای آن مقامات شد دیگر  
تمام مسالك و فرق و احزاب که نزد او یکیست از آن  
مقامات عالی که حتماً باید بیطرف باشد یکی مقام نیابت  
سلطنت عظمی است که محققاً چنانچه لازمه آن مقام عالی  
است بی طرف هستند و به بی طرفی معروف هستند و

یکی از آن مقامات مقام ریاست مجلس شورای ملی است که او هم باید بی طرف باشد و بستگی بیک حزب و بیک فرقه نداشته باشد و مسلک و ترویج مسلک خودشان را نکند بگذارند و الا سایر اشخاصی که هستند و فرقه سیاسی کدر مجلس و غیر مجلس موجودند هر کدام یک نظریات سیاسی دارند و آن نظریات سیاسی خودشان را تمام باعث رستگاری و راه نجات مملکت میدانند و هر فرقه بر صحت و اثبات عقاید خودشان دلایل بسیار دارند و امروز هم در همین مجلس مافرق مختلف و مسالک متقاربه هست منتهی بطور علنی و آشکار نشده است والا هر کسی یک تعلق می کند آن اشخاصیکه عالم بر موز و قضایای سیاسی هستند می دانند که این تعلق مبنی بر چه عقاید سیاسی است لکن این مسالک و فرقه سیاسی هنوز کاملاً علنی نشده است و رئیس مجلس باید همیشه باین فرق مختلف سیاسی نظراتش علی السواء باشد بنا بر این مقام ریاست هم به بی طرفی باید شناخته شود و همینطور بی طرف هم بوده اند لهذا بنده از طرف حزب دموکرات از جانب فراکسیون دموکرات از طرف شعبه پارلمانی دموکرات در اینجا بتمام همکاری خود عرض می کنم که چون ما ها مقام ریاست و نیابت ریاستی را کاملاً بی طرف میدانیم بنابراین هیچ کاندیدائی نداریم و هر کس را که با اکثریت انتخاب میکنند از اشخاصی که بتوانند کف نفس بکنند و در بیطرفی معروف باشند حاضر خواهیم بود که انتخاب بکنیم و اتفاق خواهیم داشت چون باید ریاست مجلس با اتفاق معین شود مثلاً آقای مؤتمن الملک را اگر انتخاب بکنند شعبه پارلمانی دموکرات حاضر است که ایشان را انتخاب بکنند و همینطور اتفاق دارند در اینکه آقای مشیرالدوله را انتخاب نمایند یا آقای حاجی سید نصرالله یا آقای دکتر علی خان را انتخاب نمایند و امثال آنها از آقایان دیگر هر کسی را که بطور بیطرفی معرفی و کاندیدا بکنند ما حاضریم که با اتفاق انتخاب بکنیم تا اینکه بیطرفی رئیس بر همه معلوم و معین بشود و رئیس انتخاب بشود و چون میدانیم که رئیس بیطرفی باید داشته باشد و بستگی به هیچ حزبی نداشته باشد و هیچوقت هیچ اظهار بستگی بیک حزبی نکنند که من میخواهم مقاصد این فرقه پیش برود یا مقاصد سیاسی آن فرقه و مارش را یک شخص بیطرفی میدانیم که اجرای نظامنامه داخلی را ملاحظه نمایند باین جهت هر کاندیدا که از اشخاص بیطرف بکنند ما حاضریم قبول کنیم و با اتفاق رأی بدهیم

**نایب رئیس** - حالا شروع میکنیم دیگر مذاکره در این خصوص نمیشود آقایان یک نفر را برای ریاست مجلس مقدس شورای ملی خواهند نوشت - آقایان استدعای کنم قدری تأمل فرمائید یک عده از آقایان اجازه خواسته اند بشاهزاده سلیمان میرزا قایل از خواندن صورت مجلس اجازه داده شد و سایر آقایان بعد از قرائت صورت مجلس اجازه خواسته اند حالا اگر آقایان بیکه اجازه خواسته اند با اجازه خودشان باقی هستند رأی خواهیم گرفت اگر آقایان مذاکرات را کافی ندانند البته رأی میدهند که مذاکره شود والا اگر مذاکره را کافی نمیدانند رأی نمیدهند و مذاکره نخواهد شد

**محمد شاه هم میرزا** - بنده چون مخالف پیشنهاد کمیسیون - فصل دوم در محاکم ابتدائی

نظامنامه میدانم که در موقع رأی گرفتن مذاکره شود اجازه خودم رایش میگیریم

**مشیرالدوله** - بنده مختصر عرضی دارم اجازه فرمائید (اجازه داده شد)

**مشیرالدوله** - چون شاهزاده سلیمان میرزا اشخاصی را که معرفی کردند در فرقه خودشان حاضر هستند که آنها را انتخاب کنند و حتماً اسم بنده را هم بردند لازم دانستم که عرض کنم قبل از وقت که بنده را نتویستند چون ممکن است چنانچه بخاطر ایشان رسیده است بعضی از آقایان هم اسم بنده را بنویسند باین جهت عرض می کنم که اگر بنده بر فرض که انتخاب شوم استعفا خواهم کرد لهذا برای اینکه وقت مجلس تلف نشود قبلاً عرض کردم

**افتخار الواعظین** - خواستم عرض کنم که آقای مؤتمن الملک راهمه حاضرند انتخاب کنند ولی ایشان حاضر نیستند قبول کنند

**نایب رئیس** - از نمایندگان محترم تقاضا می کنم که داخل در شخصیات نشوند - حالا شروع با انتخاب میکنیم یک نفر برای ریاست مجلس خواهشمند است [در این وقت اوراق منتشر و اخذ آراء شد - از برای استخراج آراء آقای حاجی میرزا رضاخان قرعه کشیده و آقایان ابوالقاسم میرزا - حاجی سید - ابراهیم و حاجی آقا بقره معین شدند و استخراج بعمل آمده و نتیجه را آقای ماضد الملک مطابق صورت ذیل اعلام نمودند]

عده اوراق ۷۶۶ و ورقه سفید ۲۵ آقای ممتازالدوله دارای ۴۵ رأی و آقای مؤتمن الملک ۲۶ رأی - آقای ذکا الملک دارای ۲۲ رأی و آقای دکتر علیخان بایک رأی هستند

**نایب رئیس** - آقای ممتازالدوله با اکثریت شروع می کنیم با انتخاب یک نفر نایب رئیس (اوراق توزیع شد و اخذ آراء بعمل آمد و آقایان مستخرجین سابق الذکر استخراج آراء نموده نتیجه استخراج آراء را آقای ماضد الملک مطابق ذیل قرائت نمودند عده اوراق ۷۶۶) آقای میرزا مرتضی قلیخان دارای ۴۰ رأی و آقای معزز الملک دارای ۲۸ رأی و آقای حاجی سید نصرالله و آقای فهیم الملک هر یک دارای دو رأی می باشند و چهار ورقه سفید علامت امتناع است)

**نایب رئیس** - آقای میرزا مرتضی قلیخان با اکثریت چهل رأی از هفتاد و شش رأی منتخب شدند (حالا در دقیقه نفس است) [مجدداً بعد از نفس جلسه تشکیل شد]

شروع بشود در بقیه قانون دیوان محاسبات گردید

**پیشنهاد وزیر**

**قسمت دوم** در محاکم و استیناف بطریق تجدید نظر

**ماده ۸۸** - صورت محاسبه را باید صاحب جمع و وارکیل مخصوص او امضاء کرده و منزل اصلی یا منزلی را که در برای تحت اختیار کرده است در وره قید نمایند

**پیشنهاد کمیسیون** - فصل دوم در محاکم ابتدائی

ماده ۸۵ - صاحبان جمع صورت حسابهای خودشان را در ظرف سه ماه از اول سال گذشته مرتب کرده خود یا وکیلشان امضاء نموده و مستقیماً یا بتوسط اداره متبوعه بدفتر دیوان محاسبات تسلیم و قبض رسید دریافت دارند و اسنادیکه تحویل داده اند فهرست بگیرند - و نیز در صورت حساب مسکن صاحب جمع یا معمل دیگری را که برای ابلاغ احکام دیوان محاسبات صاحب جمع دریا بفتح اختیار کرده است باید معین بشود

**آقا میرزا ابراهیم قهی** - بنده قبل از شروع در خواندن قانون دیوان محاسبات اجازه خواسته بودم که تقاضا کنم که تا قانون دیوان محاسبات تمام نشده است قانون دیگری را جزء دستور نگذارند

**حاجی سید ابراهیم** - در ماده ۶۰ دیوان محاسبات نوشته است (صاحبان جمع و مامورین مذکور)

در ماده (۵۸) باید صورت حسابهای خودشان را پس از ختم سنه مالی تا دو ماه از سال بدیوان محاسبات تسلیم نمایند) و اینجا مینویسد صاحبان جمع صورت حسابهای خودشان را در ظرف سه ماه از سال گذشته مرتب کرده خود یا وکیلشان امضاء نموده و مستقیماً یا بتوسط اداره متبوعه بدفتر دیوان محاسبات بدهند و حال آنکه باید برای دادن بدفتر دیوان محاسبات یا دوماه باید بگیریم یا کمتر جهت اینکه آنجا نوشته اند و اینجا سه ماه چیست این اشتباه است

**ارباب کیخسرو** - اینجا آقای آقا میرزا ابراهیم قهی اظهار می نمودند که بنده تعجب کردم از فرمایشات ایشان نمی دانم قانون دیوان محاسبات یا قانون های دیگری را برای کدام مملکت مینویسند و زراء نمی آیند اینجا مطالب اساسی را جواب بدهند و ایشان تقاضا میکنند که حکماً قانون دیوان محاسبات را باید جزء دستور گذاشت در صورتیکه باید مضاب اساسی تر از این را جلو بیاورند حالا این امروز خوانده میشود لکن برای این ترتیبی باید معمول بشود

**آقا میرزا ابراهیم قهی** - چون ما هر قانونی را نیمه کاره میگذاریم در شور دوم شروع میکنیم بقانون دیگری آنهم بوسیله نرسیده شروع دیگری میکنیم هنوز تمام نشده باز بقانون دیگری شروع میشود یک قانونی را نمی گذرانند که اقلاً یک اداره راه بقیته از این جهت بنده این تقاضا را کرده ام

**دکتر علیخان** - اینجا نوشته شده است که (بتوسط اداره متبوعه بدفتر دیوان محاسبات) بنده گمان میکنم که لفظ دفتر لازم نباشد که بدفتر تسلیم کنند باید با اداره محاسبات تسلیم کنند [مجدداً ماده مزبور قرائت شد]

**فهیم الملک** - در ماده بند توضیح میشود باید حسابها را بگیرد و رسید بدهد و اینجا که این قید را کرده اند فقط برای توضیح است که حکماً ببرند بدفتر بدهند آنجا رسید بگیرند آن مطلبی را

هم که آقای حاجی سید ابراهیم فرمودند صحیح است باید دوماه نوشته شود

[ماده مزبوره با اصلاح قرائت شد]

**فهیم الملک** - این عبارت باید اصلاح شود این در ظرف دو ماه از سال گذشته را تبدیل کنند باینکه حساب آن سال گذشته را تا دو ماه از سال نوز گذشته بدهند مقصود این است که سال که تمام شد آن حساب خودشان را تا دو ماه از سال آینده بدهند

**آقا شیخ ابراهیم** - باید تا دو ماه از اول سال گذشته حساب های خودشان را حاضر و مرتب کرده بدهند

**دکتر علیخان** - این مطلبی را که آقای مخبر اظهار کردند بنده خودم تلفت شده ام آن عبارات هم دیده ام باز خودش تصحیح لازم دارد حالا میخوانم معلوم میشود

دفتر دیوان محاسبات باید تمام صورت حسابهای که میرسد ضبط و در یک دفتر مخصوص تاریخ ورود حساب های مزبوره و اسناد و ضمیمه جات را ثبت نماید این قانونی نیست یا باید دفتر خانه بنویسند یا یک طور دیگر که اصلاح شود چون اینجا این را میخواهند اصلاح بکنند و این یک ماده لازم دارد که بفهماند که این را برای یک چیزی اصلاح کرده اند و همه بفهمند

**فهیم الملک** - اینجا مناقشات لفظی است دفتر که میگویند مراد آنجائی است که نوشته جات بعضی اسناد را ضبط میکنند حالا اگر بنام دفتر مخصوصی که آنرا ضبط میکنند اسم دیگری بگذارند ممکن است آنرا کتابچه بگذارند والا مراد از دفتر دفتر خانه است

**افتخار الواعظین** - این شکلی که نوشته شده صاحبان جمع صورت حسابهای خودشان را تا آخر این معلوم نیست که صورت حسابهای سال گذشته است یا سال حال و حال آنکه مراد اینجا حسابهای سال است باید نوشته شود که صاحبان جمع صورت حساب های سال گذشته خودشان را تا دو ماه از سال نو حاضر نمایند

**نایب رئیس** - از مخبر محترم تقاضا میشود که خودشان عبارت را یک مرتبه دیگر بخوانند

**فهیم الملک** - همین طور که عرض کردم - صاحبان جمع صورت حسابهای سال گذشته خودشان را باید تا دو ماه از سال نوز گذشته مرتب کرده خود یا وکیلشان امضاء نموده و مستقیماً یا بتوسط اداره متبوعه بدفتر دیوان محاسبات تسلیم و قبض رسید دریافت دارند و اسنادیکه تحویل داده اند فهرست بگیرند و نیز در صورت حساب مسکن صاحب جمع یا معمل دیگری را که برای ابلاغ احکام دیوان محاسبات صاحب جمع در برای تحت اختیار کرده است باید معین بشود

**نایب رئیس** - آقایانی که این ماده را بطریقی که اصلاح شده قرائت شد تصویب میکنند قیام نمایند

(و با اکثریت تصویب شد) [ماده الحاقیه پیشنهاد کمیسیون]

ماده ۸۶ مدعی العموم در اول هر سال صورتی از حسابهای که صاحبان جمع باید بدیوان محاسبات بدهند مرتب کرده بر رئیس کل می دهد و اگر در مواعد مقرر صاحب جمع صورت نفرستد رئیس کل و مدعی العموم موافق ماده (۶۲) تنبیه او را درخواست خواهد کرد

**حاجی سید ابراهیم** - در این موادی که نوشته شد فقط صاحبان جمع مکلف بودند که صورت حساب را بدهند دیگر معین کردیم که مدعی العموم هم بدهند اگر باید بدهند باید ذکر بشود و اگر نباید بدهند پس دیگر چرا تنبیهی برای او معین کنند این را مخبر محترم توضیح بدهند

**فهیم الملک** - حسابهای را که باید صاحبان جمع معین کرده بدیوان محاسبات بدهند بعد از دادن بدیوان محاسبات مدعی العمومی باید به بیست کدام یک بموقع نرسیده کدام یک رسیده است هر کدام از آنها باقی است مدعی العموم پیشنهاد می کند که موافق ماده ۶۲ تنبیه شوند

**آقا میرزا ابراهیم قهی** - لفظ تنبیه را خوب است مجازات بفرمائید اگر متنبه معنی دیگری دارد

**حاجی سید ابراهیم** - اینکه آقای مخبر فرمودند صحیح است و لکن اول این ماده را بنده می خوانم ببینم چه از عبارت می فهمم - مدعی العموم در اول هر سال صورتی از حسابهای که صاحبان جمع باید بدیوان محاسبات بدهند مرتب کرده بر رئیس کل می دهد یعنی مدعی العموم این کار را می کند که فقط صورت جمعی در دستش باشد و فقط این ترتیبی را که آقای مخبر فرمودند مدعی العموم موافق صورتی که در دست دارد که فلان صورت حساب نرسیده تنبیه او را درخواست می کند این خیلی خوب است بنده عرض می کنم که این مسئله را ذکر کردیم که صاحبان جمع صورت حساب خود را بدهند مدعی العموم بدهند یا این که اگر ندادند مدعی العموم مجازات آنها را بخواهد این عبارت را بنده که فارسی زبانم هیچ نمی فهمم

**فهیم الملک** - اینکه نوشته است مدعی العموم در اول هر سال صورتی از حسابهای که صاحبان جمع باید بدیوان محاسبات بدهند مرتب کرده بر رئیس کل می دهد یعنی مدعی العموم این کار را می کند که فقط صورت جمعی در دستش باشد و فقط این ترتیبی را که آقای مخبر فرمودند مدعی العموم موافق صورتی که در دست دارد که فلان صورت حساب نرسیده تنبیه او را درخواست می کند این مسئله را ذکر کردیم که صاحبان جمع صورت حساب خود را بدهند مدعی العموم بدهند یا این که اگر ندادند مدعی العموم مجازات آنها را بخواهد این عبارت را بنده که فارسی زبانم هیچ نمی فهمم

**فهیم الملک** - اینکه نوشته است مدعی العموم در اول هر سال صورتی از حسابهای که صاحبان جمع باید بدیوان محاسبات بدهند مرتب کرده بر رئیس کل می دهد یعنی مدعی العموم این کار را می کند که فقط صورت جمعی در دستش باشد و فقط این ترتیبی را که آقای مخبر فرمودند مدعی العموم موافق صورتی که در دست دارد که فلان صورت حساب نرسیده تنبیه او را درخواست می کند این مسئله را ذکر کردیم که صاحبان جمع صورت حساب خود را بدهند مدعی العموم بدهند یا این که اگر ندادند مدعی العموم مجازات آنها را بخواهد این عبارت را بنده که فارسی زبانم هیچ نمی فهمم

**فهیم الملک** - اینکه نوشته است مدعی العموم در اول هر سال صورتی از حسابهای که صاحبان جمع باید بدیوان محاسبات بدهند مرتب کرده بر رئیس کل می دهد یعنی مدعی العموم این کار را می کند که فقط صورت جمعی در دستش باشد و فقط این ترتیبی را که آقای مخبر فرمودند مدعی العموم موافق صورتی که در دست دارد که فلان صورت حساب نرسیده تنبیه او را درخواست می کند این مسئله را ذکر کردیم که صاحبان جمع صورت حساب خود را بدهند مدعی العموم بدهند یا این که اگر ندادند مدعی العموم مجازات آنها را بخواهد این عبارت را بنده که فارسی زبانم هیچ نمی فهمم

راجع کند و بدیوان محاسبات بدهد و به بیست این صاحب جمع امساله باید چه صورتی از چه حسابهای تنبیهی بدهد که محول شده است از طرف دیوان محاسبات باو از رفتن آن محاسبات مطالبه میکنند صورت آن حسابها را یعنی صاحبان جمع باید صورت آن حسابها را بدیوان محاسبات بدهند در مدت آن دو ماه از مواعد مقرر که معین شده است که باید بدهند اگر داده اند که مطلبی نیست و اگر نداده اند تقاضای مجازاتش را می کند و این خیلی واضح است

**نایب رئیس** - رأی میگیریم بر این ماده بشکلی که قرائت شد کسانیکه تصویب می کنند قیام نمایند [با اکثریت تصویب شد]

[پیشنهاد وزیر]

ماده ۸۹ - دفتر دیوان محاسبات تمام صورت حسابهای آنرا که میرسد ضبط و در یک دفتر معین روزی را که آن صورت با اداره رسیده است یاد داشت می کند

(پیشنهاد کمیسیون)

ماده (۸۷) - رئیس دیوان محاسبات باید تمام صورت حسابهای آنرا که میرسد ضبط و در دفتر مخصوص تاریخ ورود حسابهای مزبوره و اسناد و ضمیمه جات را ثبت نماید

**آقا میرزا ابراهیم خان** - اگر اجازه فرمائید دفتر دومی که غرض کتابچه باشد آنرا باسم کتابچه بنویسیم

**بهجت** - عرضی ندارم ولی این کتابچه مخصوص یک اصطلاح تازه است که سابقه ندارد نهایت میخواهند اشتباهی نشود بنویسند دفتر خانه و کتابچه اگر بنویسند این یک چیز مجملی خواهد شد

**وسیل التجار** - بعقیده بنده این مطلب جزء نظامنامه داخلی است برای اینکه فلان چیز وقتیکه وارد شد که در دفتر مخصوصی ثبت بشود این چیزی نیست که در قانون نوشته شد جزء دستور العمل است قانون اینست که تاریخ آنرا بنویسند

**فهیم الملک** - وقتیکه نوشته میشود باید صاحبان جمع حکماً بدیوان محاسبات بدهند آنکه قانونی شد لابد قانونی خواهد بود که دفتر دیوان محاسبات هم یک کتابچه داشته باشد که اسناد را امضاء کند زیرا که در موقع محاکمه بکسورتی حسابی را بگویند که در دفتر دیوان محاسبات ثبت و امضاء شده دفتر دیوان محاسبات آن دفتری اینست که در آنجا ثبت و امضاء میکنند و اصول محاکماتشان را از روی آن باید ملاحظه بکنند و آن سندیت دارد این است که این ماده قانونی خواهد بود

**ارباب کیخسرو** - بنده هیچ نمیدانم یک مسئله را که میشود سهولت حل کرد ما بواسطه اینکه سر حرف خودمان باشیم آن مسئله را با شکالات می اندازیم اگر یک (خانه) ملحق بدفتر میشود رفع تمام اشکالات میشود بنده تقاضا میکنم که یک خانه بدفتر الحاق نمایند و اینکه فرمودند نوشته شود که چه اصلاحی که می بینم یک کتاب کوچک اگر کتاب بزرگ شد مخالف قانون میشود بنده عقیده ام اینست که در تمام جاها این دفتر را یک خانه کنارش بگذارند آن کلمه دفتر بحال خودش باشد چنانچه هم جارسم است هیچ جا نمیگویند کتابچه

حساب باید دفتر حساب باشد.  
**آقای میرزا ابراهیم خان** - هیچ جا کتاب را با اسم دفتر نمیگویند اگر اصلاحات تجارتی را میفرمایند آن میگوید (دفتر دستک) پس باید دفتر و دستک اصلاح باشد خانه اصطلاحی است که عقب بعضی الفاظ میآوریم همیشه میگویند دفتر عبارت است از آن اداره از آن شعبه از دوائر که جای اوراق و نوشتهجات است کدر آنجا ضبط وثبت میشود آنجا میشود دفتر والا هر کتابی را که راجع آن دفتر باشد کتاب فلان است مثلا کتاب صادرات کتاب واردات وغیره.

**بجهت** - گمان میکردم یک چیز واضحی که بیاید به مجلس نمایندگان اینقدر اصرار نگیرند ولی نمیدانم چرا اینقدر آقایان اصرار میکنند دفتر یک چیز است که حساب در آن مینویسند کتابچه هم کتابچه کوچکی است به منظوریکه آقای ارباب کیخسرو میفرمایند و اما اینکه ما دفتر خانه را دفتر میگوئیم مجازات یعنی باصطلاح تسمیه محل است با اسم حال والا صحیحش دفترخانه است و خانه دفتر و اگر غیر از این باشد غلط است.

ماده مزبوره با اصلاح با بنظر طریق خواننده شده.  
 ماده (۸۷) دفتر خانه دیوان معاسبات باید تمام صورت حسابهاییکه میرسد ضبطدر دفتر مخصوص تاریخ ورود حسابهای مزبوره و اسناد و ضمیمه جات را ثبت نمایند.

**نایب رئیس** - رأی میگیریم بر اینشما به ترتیبی که خواننده شد - کسانیکه موافقت قیام نمایند (اغلب قیام نمودند با اکثریت تصویب شد) (پیشنهاد وزیر)

ماده ۹۰ - رئیس کل حسابها را برای رسیدگی مابین ممیزین درجه اول تقسیم و یک یا چند حساب را یک نفر رجوع کرده معین میکنند که ممیز رجوع آن حساب را پس از رسیدگی بکدام یک از محاکم باید بدهد اسم ممیز و محکمه که بآنجا رجوع خواهد شد باید در روی صورت حساب ثبت شود. (پیشنهاد کمیسیون)

ماده ۸۸ - رئیس کل حسابها را مابین ممیزین تقسیم و یک یا چند حساب را که راجع یک صاحب جمع نباشد بیک نفر رجوع کرده و در روی صورت حساب معین میکنند که ممیز رجوع آن حساب را پس از رسیدگی بکدام یک از محاکم باید بدهد ممیز و محکمه که در صورت حساب بآنجا رجوع شده است نباید با صاحب جمع سبباً و نسبتاً تا درجه چهارم فراتر داشته باشد.

**حاج سید ابراهیم** - در این ماده که قید شده که با حالت حالیه مانعی سازد و این تفسیری است که خیلی سخت است یکی این که میگویند ممیز و اعضاء محکمه که صورت حساب بآنجا رجوع شده است نباید با صاحب جمع سبباً و نسبتاً تا درجه چهارم فراتر داشته باشد یکی آن که در آنجا که میگویند یک یا چند حساب را که راجع به یک صاحب جمع نباشد یک نفر رجوع کرده و در روی صورت حساب معین می کنند گمان میکنم که اگر ما این حسابها را بآنجا رجوع بکنیم باین تقریب و تقریر را در تمام اعضاء دیوان معاسبات بکنیم دخلی زیاد است که تا درجه چهارم یا هیچ صاحب جمعی مناصبت نداشته باشد بلی نباید این قدر سختی داشته باشد مثلا پس ممیز باشد یا یکی از آنها

که سبب سوء ظن در حق ممیز باشد یا بنظور قید کرده باشند باینکه بواسطه جلب نفع خودش مثلا رسیدگی بحساب نمی کند و چه نزدیک باشد چه دور آنرا می توانیم قید کنیم و زیاده بر این نمی توانیم قید بکنیم مخصوصاً اینکه یک یا چند حساب را که راجع به یک صاحب جمع نباشد این راهیج لازم نمی دانم چه یک صورت چه ده صورت اگر تخلف نمی کنند و صورت حسابش صحیح است در صورت راهم صحیح می دانیم و اگر یکی را صحیح نمی دانیم که نباید هیچ اقدام به کند پس من اینقدر را صحیح نمی دانم و باید که این مطلب اصلاح شود.

**فهم الملک** - صاحبان جمع ممکن است حسابهای مختلف داشته باشند فرضاً صاحب جمع ممکن است از محلیکه ابواب جمع او است یک قسمت حساب دیگر با او داده شده باشد یک ممیز هم ممکن است چند حسابهای مختلف رجوع شده باشد یک حسابی با مأمورین نظام یکی با مأمورین مالیه یکی با محاکم هر حسابی باین اداره است اینها هر کدام را یک فقره حساب می گویند وقتی که می خواهند برسد حسابهای او را قسمت می کنند بصاحبان جمع هر یک قسمتی از این حسابها را که راجع است به یک صاحب جمع رجوع می کنند یکی از این ممیزین و همچنین قسمت های دیگر راجع بصاحب جمع های دیگر به ممیزین دیگر از این ممیزین که یک قسمت حساب با او داده شده است ممکن است باز هم داده شود که یک ممیز ممکن است چند حساب مختلف با او رجوع شده باشد برای رسیدگی ولی مال صاحب جمعهای مختلف و البته میدانید یک نفر ممیز اگر مأمور باشد که حسابهای مختلف بصاحب جمعها برسد بدیهی است که پاره اقدامات ممکن است بشود اما اگر صاحب جمعها مختلف شدند کمتر ممکن است بعضی ترتیبات داخل حساب های او بود و اما در باب فراتر درجه چهارم را معلوم میشود که حضرتعالی خیلی دور تصور کرده اید درجه چهارم منتهی پسردائی است پس عه پسر خاله پسر عمو اینها درجه چهارم خواهند بود و ما نمیتوانیم بگوئیم که تمام اشخاصیکه متصدی جمع و خرج دولت خواهند بود تمام اینها پسردائی و پسر عمو خواهند بود آیا دوازده نفر ممیز تمام آنها با صاحبان جمع پسر عمو و پسردائی خواهند بود این همچنین چیزی ممکن نخواهد بود همین اندازه نسبت نداشته باشد اگر یکی دو نفر هم پیدا شد که با او فراتر داشت بدیگری رجوع میکنند درجه چهارم از پسر عمو جلو تر نخواهد رفت که اصابت اشکال بشود و ۱۲ نفر ممیز هم ممکن است با صاحبان جمع تمام پسر عمو نباشند.

**فهم الملک** - اما در فرمایشات راجع به تفسیراتی چون رسیدگی را مخبر می کند اصلاً راپورتنی است که بمستشار و بعد بمحکمه خواهد داد پس در این جا باید ملاحظه بکنیم که راپورت ممیز صحیح باشد احکام محکمه را بهی می دهند و این اینقدر احکام را مشکل نمی کنند این تفسیرات این کار را موقوف نمی گذارد که مهمل بماند اگر چه تا خیر بیفتد ولی بالاخره رسیدگی خواهند کرد و اما درجه چهارم این مصطلح است در اصطلاح که می گویند درجه اول یا دوم یا سوم یا چهارم گر چه حالا موقع نیست اما مقتضای عرض می کنم همیشه یک نقطه مشترک دارد نسبت تصور می کنند مثلا پسر عمو نقطه مشترک را جدهشان تصور می کنند پدر آنها برادرند و جدهشان یکی است و مشترکند حالا جدهشان یکی است بعد پسرانش مرتبه دوم است بعد اولاد پسرانش که با هم پسر عمو می شوند این از آنجا که بر میگردد آنجا را درجه محسوب می کنند هر چه میزانش بدرجه چهارم رسیده باشد ممکن نیست رسیدگی بحساب هم بکنند و این درجه مصطلح است و همیشه در درجه چهارم رسید معلوم است که پسر عمو است پسر عمه پسر خاله پسر دائی است دیگر بیشتر از این عرض نمی کنم.

**آقای میرزا ابراهیم** - این توضیحی را بنده معنای این فرمودند معنای این عبارت بود و عرض بکنم که جهت اینکه ما تفسیر می کنیم باینکه می گوئیم یک یا چند حساب را که راجع به یک صاحب جمع نباشد یک نفر رجوع کرده جهت این را نمیدانم راست است که دقت باید کرد لکن این تفسیر هیچ

فایده ندارد جز اینکه دست و پای رئیس را می بندیم که در وقتی که حساب های مختلف را که رسیده است نتواند بیک رجوع کند فقط نظر بنده باین بود اما این درجه چهارمی را که میفرمایند این بجه اصطلاحی است اصطلاحی است که پیش خودتان فرض کرده اید که فرض کردید پدر اول پسر دوم پسر عمو و پسر عمو درجه چهارم باشد بهیج ترتیب پسر عمو درجه چهارم نمی شود و این ترتیب پسر عمو پسر خاله و اولادهای آنها را نام خارج میکنند و اینقدر تفسیر میکنند و این فراتر سبب نهمت و سوء ظن که نسبت خیلی اشخاص هستند که از یک فایده هستند و قوم خویش های کاری فعال هم دارند فراتر سبب سوء ظن نباشد فقط انتفاع از آن از صاحب جمع موجب ظن غالب میشود که بگوئیم بواسطه فراتر مورد سوء ظن کلیه ندارد فراتر ممکن است مورد سوء ظن نباشد ممکن است که یک شخصی مدتها با یکی رفیق بوده است و حالا که می خواهد برود بآن محکمه کند آن رئیس محکمه با او آشنائی تمام دارد اغماض و مسامحه کنند پس این عبارت راجع این عیب را نمی کند باید بنویسند ( آن اعضاء محکمه طرف سوء ظن در انتفاع نباشند ) اگر فید از این باشد درجه چهارم نیست مگر باصطلاحی که خودشان قرار میدهند و لازم است این اصطلاح را آقای مخبر توضیح بفرمایند.

**فهم الملک** - اما در فرمایشات راجع به تفسیراتی چون رسیدگی را مخبر می کند اصلاً راپورتنی است که بمستشار و بعد بمحکمه خواهد داد پس در این جا باید ملاحظه بکنیم که راپورت ممیز صحیح باشد احکام محکمه را بهی می دهند و این اینقدر احکام را مشکل نمی کنند این تفسیرات این کار را موقوف نمی گذارد که مهمل بماند اگر چه تا خیر بیفتد ولی بالاخره رسیدگی خواهند کرد و اما درجه چهارم این مصطلح است در اصطلاح که می گویند درجه اول یا دوم یا سوم یا چهارم گر چه حالا موقع نیست اما مقتضای عرض می کنم همیشه یک نقطه مشترک دارد نسبت تصور می کنند مثلا پسر عمو نقطه مشترک را جدهشان تصور می کنند پدر آنها برادرند و جدهشان یکی است و مشترکند حالا جدهشان یکی است بعد پسرانش مرتبه دوم است بعد اولاد پسرانش که با هم پسر عمو می شوند این از آنجا که بر میگردد آنجا را درجه محسوب می کنند هر چه میزانش بدرجه چهارم رسیده باشد ممکن نیست رسیدگی بحساب هم بکنند و این درجه مصطلح است و همیشه در درجه چهارم رسید معلوم است که پسر عمو است پسر عمه پسر خاله پسر دائی است دیگر بیشتر از این عرض نمی کنم.

**آقای میرزا ابراهیم** - این توضیحی را بنده معنای این فرمودند معنای این عبارت بود و عرض بکنم که جهت اینکه ما تفسیر می کنیم باینکه می گوئیم یک یا چند حساب را که راجع به یک صاحب جمع نباشد یک نفر رجوع کرده جهت این را نمیدانم راست است که دقت باید کرد لکن این تفسیر هیچ

**آقای محمد بروجردی** - بنده موافقم همین یک کلمه را عرض کنم این اعضائی که فراتر دارند تجربه شده است که آدمی به الطبیعه هم درست است بکفدری اسباب سوء ظن می شود هر چه در این مطلب دقت بشود خیلی خوب است الا این که یک نکته را می خواهم عرض بکنم و آن این است که انتخاب آن ممیزین را کسی می کنند در موقعی که انتخاب ممیزین می شود ملاحظه کنند که از اقرباء انتخاب نکنند یعنی از این چهار درجه که هست از روز اولش انتخاب نکنند.

**فهم الملک** - این مسئله که میفرمایند نمی شود زیرا دولت دوهزار صاحب جمع لازم دارد و می خواهد انتخاب کند ممکن است این ها پایکی از آنها پسر عمو باشد یا نباشد ولی در موقع رجوع حساب ممکن است که بدانند این حساب را بیسر عمویش رجوع نکنند.

**مشیر الدوله** - بنده راپورت کمیسیون موافقم ولی اینجا گمان می کنم که یک اشتباهی شده است بجای اینکه بنویسند سبباً یا نسبتاً نوشته اند سبباً و نسبتاً این موافق ترتیب نیست برای این که و اوعاطفه است و مضرات باینکه هر دو نسبت را داشته باشد در صورتی که داشتن یکی از آنها کافی است باید نوشته شود سبباً یا نسبتاً. (ماده مربوط با اصلاح آقای مشیر الدوله خوانده شد)

**نایب رئیس** - رأی میگیریم بر این ماده بطریقیکه قرائت شد آقایانی که تصویب می کنند این ماده را قیام نمایند. (با اکثریت تصویب شد)

(پیشنهاد وزیر)  
 ماده ۹۱ حسابهای یک صاحب جمع را نمیتوان دو دفعه متوالی بیک ممیز رجوع کرد (پیشنهاد کمیسیون)

ماده ۸۹ - یک ممیز نباید بحسابهای دودوره عمل بکصاحب جمع رسیدگی نماید.  
**دکتر علیخان** - بنده نمی دانم علت اینکه این اندازه سخت گیری در کار میشود چیست برای این که اگر بنای ثقل باشد ممکن است خود صاحب جمعها خود ممیزها با هم ساختگی کنند اینقدر سختی کردن که یک ممیز نتواند عمل دودوره صاحب جمع را معین کنند این چه ممیزی است این اسباب تفسیر و اشکال است و تفسیر شروع کردند با اجرای این قانون بر می خوردند که قدر اشکالات خواهد داشت حالاً ما می خوانیم و تند تند برای می بینیم و هیچ نمی دانم که در موقع عمل چقدر اسباب تفسیر و اشکال است و هیچ فایده ندارد.

**فهم الملک** - دوره اول در خاطر آن هست که یک قسمت آن در همان سال جاری در سال که بودجه با اسم آن سال نوشته میشود در همان سال می دهند او را هم که حاضر کرد باز میگوئیم که اولاد همان ممیزیکه قسمت اول سال او را رسیدگی کرده است به هم قسمت دوم را بیک ممیز دیگری بدهیم پس کار آن ممیز سهل تر میشود.

**وکیل التجار** - بنده گمان میکنم که مراد از اینکه حسابهای یک صاحب جمع را در یک دوره بیک ممیز رجوع نمیکند این عبارت است از حساب یک دوره نه دودوره و مقصود این است که ممکن است حساب یک صاحب جمعی را بیک ممیزی رجوع بکنند و یک اشتباهی شده باشد دوم آنه نخواهند رسید گو کنند و باره بهمان ممیز رجوع نمیشود به ممیز دیگر رجوع میشود در هر حال آن پیشنهاد وزیر بهتر است مقصود این است که دودوره حساب یک صاحب جمع را بیک نفر رجوع نمی کند بلکه حساب یک صاحب جمعی را که بیک ممیزی رجوع کردند دودوره عمل دیگر بآن ممیز دیگر رجوع بکنند ترتیب حساب اینطور بنظر بنده بهتر می آید.

**فهم الملک** - اینطور نیست راجع بآن قسمت اول در ماده شش گفته شده حسابهای مختلفی که راجع بیک صاحب جمعی است آنها را هم بنظر ممیزین مختلف می دهند این را اینطوریکه در اینجا نوشته شده است در موقع تجدید نظر شرایط دیگری دارد اینجا مقصود اینکه یک حسابی را که یک ممیزی رسیده کرده راجع بیک صاحب جمع آن وقت تمه او را هم در آن سال بهمان ممیز رجوع بکنند بعد برای دوره عمل بعد که بحساب رسیده خواهد شد آنرا بآن ممیز رجوع نمی کنند به ممیز دیگر رجوع می کنند مقصود این است که این هیچ ربطی با اشتباه یا ملاحظاتی دیگر ندارد فقط مقصود این است که حساب یک دوره را یک ممیزی رسیده کی بکنند و حساب آن صاحب جمع را در دوره عمل دیگر به ممیز دیگر رجوع کنند.

**حاجی سید ابراهیم** - در آن راپورت فقط یک تفسیر خواهد بود کمیسیون همچو بنظرش آمده است که این تفسیرات راجع کرده بعد علاوه کرده است بر آن آن تفسیراتی را که عرض کرده و رأی هم ندادم این تفسیر را هم بعد کردیم که حساب دودوره را یکی ندهیم مگر ما چند نفر ممیز معین کردیم دوازده نفر که بیشتر نداریم و صاحب جمع اقتلاص صد نفر خواهد بود حالا فرض کنید یک کسی را پیدا کردیم که هیچ نسبت سبباً یا نسبتی ندارد بعد هیچ فراتری ندارد اینجا جمع بین تفسیرات کرده ایم اما بیک نفر حساب دودوره را رجوع بکنیم این هم یک تفسیر فوق العاده است خوب است آقای مخبر توجه باین مطلب بکنند که جمع بین این تفسیرات کرده اند و این ماده که گذشت خیلی تفسیر واقع خواهد شد و هیچ فایده ندارد جز زحمت.

**فهم الملک** - استدعا می کنم قدری بیشتر دقت بفرمایید آنچه می نویسد را که وزیر نوشته است خیلی تفسیرش بیشتر است زیرا که می گوید که حسابهای یک صاحب جمع را نمیتوان دو دفعه متوالی بیک ممیزی رجوع کرد زیرا که موافق راپورت کمیسیون اگر یک نفر صاحب جمع یک حسابی دارد می دهد در دوسال بنماید ممیز رجوع بشود ولی در همان سال متمم آن باید بهمان ممیز رجوع بشود و موافق پیشنهاد وزیر او را باید بآن ممیز رجوع بنمایند و حال آنکه قسمت اول آن ممیزی است که مشمول است متمم آن هم باید همان ممیز برسد پس دوره عمل حسابش باید راجع بیک ممیز باشد اشتباه

**حاجی سید ابراهیم** - در این توضیحی را بنده معنای این فرمودند معنای این عبارت بود و عرض بکنم که جهت اینکه ما تفسیر می کنیم باینکه می گوئیم یک یا چند حساب را که راجع به یک صاحب جمع نباشد یک نفر رجوع کرده جهت این را نمیدانم راست است که دقت باید کرد لکن این تفسیر هیچ

می فرمایند که می فرمایند تفسیر این بیشتر است از آنچه در راپورت وزیر است و حال اینکه بر عکس است در این راپورت دوسال را معین می کنند یک سال حق داده شده است که حساب صاحب جمع را یک نفر ممیزی بکنند دودوره اول.

**آقای شیخ ابراهیم** - اگر قانع نشدید بنده توضیح بدهم.

**نایب رئیس** - رأی می گیریم بر این ماده بطریقیکه قرائت شد کسانیکه موافقت قیام نمایند (اغلب قیام نمودند و با اکثریت تصویب شد)

پیشنهاد وزیر - ماده ۹۲ - دفتر دار کل ارجاع هر حساب را بمیزان اطلاع داده و کلیه حساب و اسناد را تحویل مشارالیه می نماید و هر صورتی از کارهای مرجوعه بر رئیس محکمه مرجع حسابی می دهد و علاوه بر این در روز آخر ماه صورتی از حسابهای که در ماه قبل به ممیزین رجوع شده بر رئیس محکمه خواهد داد.

پیشنهاد کمیسیون - ماده ۹۳ - ( دفتر داری کل باید ارجاع هر حسابی را به ممیزان اطلاع داده و کلیه حساب و اسناد را تحمل مشارالیه نماید و نیز صورتی از کارهای مرجوعه به محکمه را بر رئیس آن محکمه داده و علاوه بر روز آخر ماه صورتی از حسابهای که در ماه قبل به ممیزین رجوع شده بر رئیس محکمه مرجع تسلیم نماید.)

**حاجی سید ابراهیم** - این عبارت آخرش توضیح می خواهد بر رئیس محکمه مرجع یعنی چه این عبارت خیلی خنک است اینقدر ما نباید زیاد حرف بزنیم و نه اینقدر ساکت باشیم که عبارت را هم درست نکنیم.

**آقای سید ابراهیم** - رئیس محکمه مرجع یک عبارت خیلی صحیحی است و تعجب میکنم که چرا آقایان توجه نفرمایند صورت حساب را بهر محکمه که فرستاده است در آخر ماه بر رئیس همان محکمه باید بدهد رئیس محکمه مرجع یعنی رئیس که صورت حساب باور رجوع شده است و این عبارت خیلی صحیح و درست است.

**حاج آقا** - و مخصوصاً این عبارت سابق را اگر ملاحظه کنید که نوشته شده است و نیز صورتی از کارهای مرجوعه شهر محکمه را بر رئیس آن محکمه داده - و وقتیکه در سابق نوشتیم در کارهای مرجوعه شهر محکمه بعد که نوشتیم بر رئیس محکمه معلوم میشود که این عبارت راجع سابق و ربط سابق دارد خیلی هم واضح است.

**حاج سید ابراهیم** - در پیشنهاد وزیر لفظ مرجع هست ولی نوشته است و نیز صورتی از کارهای مرجوعه بر رئیس محکمه مرجع حسابی می دهد فرض این است مرجع مطلق بدون بیان خیلی غلط است این معنی مصدری میدهد حالا اگر اینجا نوشته شود مرجع حساب صحیح است و بدون آن بنده عرض نمیکنم که صحیح نیست.

**فهم الملک** - یک لفظ حساب بعد از مرجع بیفزاید و رأی بگیری.

**حاج شیخ الرئیس** - چون بعضی از نمایندگان در تصحیح الفاظ هم خیلی اهتمام دارند بنده در امور مرجوعه تأمل دارم بجهت اینکه غلط است مرجع لازم است باید نوشته شود امور راجعه (ماده مزبوره اصلاح شده بمضمون ذیل قرائت شد)

ماده (۹۰) دفتر دار کل باید ارجاع هر حساب را به میزان اطلاع داده و کلیه حساب و اسناد را تحویل مشارالیه بشاید و نیز صورتی از کارهای راجعه به هر محکمه را بر رئیس آن محکمه داده بلاوجه در روز آخر هر ماه صورتی از حسابها بیکه در ماه قبل به میزین رجوع شده بر رئیس محکمه مرجع حساب تسلیم نماید.

**نایب رئیس** - رأی میگیریم بر این ماده بطریقیکه خوانده شد آقایانیکه تصویب مینمایند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند و با کثرت تصویب شد.)

**پیشنهاد وزیر** - ماده (۹۳) ممیز هر حسابی باید مطابق مواد ذیل شخصاً رسیدگی کرده عقیده خود را بطور رایورث نوشته و در دوسه آن حساب گذاشته تسلیم محکمه مرجع نماید.

(۱) رسیدگی بهریک از دفعات جمع و رعایت قوانین و قواعد حساب (۲) رسیدگی بهریک از دفعات جمع از حیث مطابقت با قوانین مملکتی و هر یک از دفعات خرج از حیث مطابقت با اجازه مجلس شورای ملی.)

(پیشنهاد کمیسیون.)

ماده (۹۱) ممیز هر حساب باید رسیدگی کرده و برای هر صورت حساب رایورثی جداگانه بدهد رایورث مزبور مشتمل بر دو کتابچه علیحده خواهد بود که هر یک در فقرات ذیل مبین عقیده ممیز است - اصل ملاحظات راجعه بصحت جمع و خرج و حاصل حساب در این کتابچه ایراداتیکه ممیز بر دفعات و میزان جمع و خرج ایراد بیان می نماید یعنی اگر از باب جمع بیش از آنچه صاحب جمع قلمداد کرده است باید بیای او محسوب شود و نیز از باب خرج اگر بعضی وجوه قلمدادی بشمار قبول شود و همچنین اگر مسئولیتی از باب فواید و قواعد حساب برعهده صاحب جمع وارد است تمام این ایرادات در این کتابچه قید خواهد شد.

(۲) ملاحظات راجعه بجمع از حیث مطابقت با قوانین مملکتی و ملاحظات راجعه بخرج از حیث مطابقت با اعتبارات مصوبه.)

**نایب رئیس** - گویا در این ماده ملاحظاتی نباشد پس رأی میگیریم بر این ماده بطریقیکه خوانده شد آقایانیکه تصویب مینمایند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند و با کثرت تصویب شد.)

تکلیف کند و هر گاه ممیز در باب صورت حساب خواهد با صاحب جمع یا وکیلش مکاتبه نماید مراسم که می نویسد باید بر رئیس محکمه ارائه داده و اگر رئیس مزبور ارسال آنرا صلاح دانست بتوسط دفتر فرستاده خواهد شد.)

**آقا شیخ ابراهیم زنجانی** - بنده عقیده ام اینست که اگر بجای لفظ می تواند او را احضار نماید نوشته شود باید او را احضار کند بهتر است می تواند صحیح نیست.

**ارباب کیخسرو** - اینجا فراد شد که هر جالفظ دفتر می آید معین بشود که مقصود دفتر خانه است یا دفتر حساب چون این جا هم مقصود دفتر خانه است خوب است يك لفظ خانه هم کنارش گذاشته شود.

**حاج شیخعلی** - در جمله آخر اختیار بر رئیس محکمه واگذار میکنند در فرستادن آن مکاتبه بدفترخانه من نمی دانم چرا اینجا اینطور است اگر آن مکاتبه که ممیز با صاحب جمع دارد راجع بتوضیح صورت حسابی است که در دفتر دارد باید در دفتر ثبت بشود و اینجا رئیس حق دارد که اگر خواست صورت آنرا نفرستد و اگر نخواست نفرستد بنده این را بهیچ وجه صحیح نمی دانم و البته نباید فرستاده شود.

**فهیوم الملک** - ارسال بدفتر را بر رئیس واگذار نکردند ارسال با صاحب جمع را بر رئیس واگذار کردند و اگر رئیس مزبور ارسال آنرا اصلاح دانست بتوسط دفتر فرستاده خواهد شد (گفته شد صحیح است.)

**حاجی آقا** - بنده فقط می خواستم همینقدر عرض کنم که این فرمایشی که آقای آقا شیخ ابراهیم فرمودند که هر جانی لازم داند نوشته شده لازم است در دفترش لفظ باید نوشته شود این حرف کمان میکند درست نباشد بواسطه اینکه همیشه نباید باید نوشته شود ما شاید در یک موقعی بخواهیم اختیار بدست او واگذار کنیم ممیز در این موقع اختیار دارد که بیک حسابی که رسیدگی میکند اگر لازم داشته باشد در مواد رسیدگی صاحب جمع را احضار کند می تواند اولاد در زمینه اختیار میتواند باید نوشته شود «باید» لازم ندارد.

**شهبانی** - بنده عقیده «می تواند» می خواهد و نه «باید» توضیحاً عرض کنم میگوید که هر گاه صاحب جمع یا وکیلش را برای دادن توضیحات لازم داند او را احضار بنمایند این دیگر نه باید می خواهد و نه می تواند هیچکدام را لازم ندارد.

**حاج آقا** - این مطلب در کمیسیون مدتی گفتگو شد و اینکه مخبر دفاع نمیکند نمی دانم بچه ملاحظه است مقصود این است که اگر ما بنویسیم احضار می نماید يك الزامی است «مانی» خواهیم الزام بکنیم که ممیز احضار بکند زیرا که مقصود این است که در یک موقعیکه خودش خواست می تواند احضار بکند اگر نخواست نمی کند این ترتیبی که می نویسد قانونی نیست که حتماً باید حاضرش کند و نه این وجه نظر کمیسیون الزامی به ممیز خواهد کرد.

**حاج سید ابراهیم** - اگر لازم معنی

لازمش جایز باشد يك تبصره بنویسند که لازم یعنی جایز.

**شهبانی** - عجب می کنم از اینکه آقای حاجی آقا ایراد در این مطلبی که از آفتاب روشن تراست می کنند در صورتیکه ممیز لازم بداند احضار خواهد کرد این اجبار نیست.

**فهیوم الملک** - اینکه بنده در بعضی جزئیات تصور می کنم در دفاع بواسطه اینست که وقت مجلس را اشراف می دانم در اینکه در این جزئیات صرف بشود چنانکه یکصدتی مذاکره از برای دفتر خانه می کنیم و اینجا يك حق معین میکند اگر لازم دارد صاحب جمع را او را احضار میکند یعنی حق این را دارد که احضارش بکند ولی مقصود این نیست که وقتی لازم داشت حتماً باید او را بخواهد بلکه مقصود اینست که اگر لازم بداند او را بخواهد آن الزام بدین بستر است به نظر آن ممیز است که می خواهد اینجا فقط اختیاری است که باید بهیچ وجهیم و این عبارتی که کمیسیون نوشته است صحیح است.

**دکتر علیخان** - بنده عقیده ام بخلاف آقای مخبر است در این خصوص و عقیده ام موافق است با آقای آقا شیخ ابراهیم بجهت اینکه اگر لازم دارد باید حتماً احضارش کند برای اینکه کار حساب کار شومی نیست اگر لازم داشت که یا خودش یا وکیلش گفتگو بکند باید الزامش بکند این يك چیزی است که البته حق دارد و باید احضارش بکند.

**فهیوم الملک** - این فرمایش آقای دکتر مثل اینست که بگوئیم اگر کسی گرسنه است باید نان بخورد اگر نان نخورد از گرسنگی می میرد معلوم است اگر لازم دانست او را احضار میکنند اگر ما بنویسیم باید همچو تصور بکنیم که لازم می دانند حاضر میکنند.

**بهجت** - حرف زدن بنده مجبوری است اینکه لازم بداند يك چیزی است که خودش می دانده می دانم که بنودش می دانده می دانم که لازم نداند و الزام نکند یا لازم نداند و احضار و الزام بکند این يك چیزی است که خودش می داند اگر حاضر نکرد می دایم که لازم نداشته خواهش میکنم وقت مجلس را در این چیزها صرف نکنید مجدداً ماده مزبور به اصلاح بعبارت ذیل قرائت شد.

ماده ۹۲ - اگر ممیز در موقع رسیدگی بصورت حساب وجوه صاحب جمع یا وکیلش را برای دادن توضیحات لازم داند او را احضار می نماید و اگر صاحب جمع یا وکیلش اسناد و اوراقی از برای اثبات صحت حساب ابراز کند ممیز بصورت مزبور اسناد خواهد سهو یا اشتباهی ملاحظه نماید حق دارد تصحیح آن را با صاحب جمع تکلیف کند و هر گاه ممیز در باب صورت حساب با صاحب جمع یا وکیلش مکاتبه نماید هر مراسم که می نویسد باید بر رئیس محکمه ارائه داده و اگر رئیس مزبور ارسال آنرا صلاح دانست بتوسط دفتر فرستاده خواهد شد.

**نایب رئیس** - رأی میگیریم بر این ماده بطریقیکه خوانده شد آقایانیکه تصویب مینمایند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند و با کثرت تصویب شد.)

**فهیوم الملک** - پس حساب او را صورتی که داده است حتم است یا این که باید از محل تحقیقات بکنند و شهود بخواهند و آن مقدمات را بخواهند.

**نایب رئیس** - رأی میگیریم بر این ماده بطریقیکه خوانده شد کسانیکه موافقند قیام نمایند (با کثرت تصویب شد.)

**پیشنهاد وزیر**

ماده ۹۶ - هر گاه ممیز در ضمن تحقیقات و رسیدگی ملاحظاتی از باب اداره متبوعه صاحب جمع داشته باشد رایورث جداگانه نوشته منضم بصورت حساب خواهد کرد.

**نایب رئیس** - رأی میگیریم بر این ماده بطریقیکه خوانده شد آقایانیکه تصویب مینمایند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند و با کثرت تصویب شد.)

**فهیوم الملک** - مواد اول را ۹۱ و ۹۴ بنویسند و بعد ماده آخر را (۹۷) بنویسند.

**فهیوم الملک** - مواد اول را ۹۱ و ۹۴ بنویسند و بعد ماده آخر را (۹۷) بنویسند.

**پیشنهاد وزیر**

ماده ۹۶ - ممیز در طی رایورث خود معین میکند که صاحب جمع باقی دارد یا فاضل و یا میزان جمع و خرج معادل است و باید مفصلاً داده شود یا لازم است که در باب تصفیه آن بعضی تحقیقات و اقدامات مقدماتی بعمل آید.

(پیشنهاد کمیسیون)

ماده ۹۳ - ممیز در متن رایورث خود معین میکند که صاحب جمع باقی دارد یا فاضل و یا میزان جمع و خرج مطابق است و باید مفصلاً داده شود یا لازم است که در باب تصفیه آن بعضی تحقیقات و اقدامات مقدماتی بعمل آید.

**آقای میرزا ابراهیم قمی** - این اقدام مقدماتی لازم نیست برای چه نوشته اند.

**فهیوم الملک** - پس حساب او را صورتی که داده است حتم است یا این که باید از محل تحقیقات بکنند و شهود بخواهند و آن مقدمات را بخواهند.

**نایب رئیس** - رأی میگیریم بر این ماده بطریقیکه خوانده شد کسانیکه موافقند قیام نمایند (با کثرت تصویب شد.)

**پیشنهاد وزیر**

ماده ۹۶ - هر گاه ممیز در ضمن تحقیقات و رسیدگی ملاحظاتی از باب اداره متبوعه صاحب جمع داشته باشد رایورث جداگانه نوشته منضم بصورت حساب خواهد کرد.

**نایب رئیس** - رأی میگیریم بر این ماده بطریقیکه خوانده شد آقایانیکه تصویب مینمایند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند و با کثرت تصویب شد.)

**پیشنهاد کمیسیون**

صورت حساب و اسناد و رایورثهای مذکوره در ماده [۹۰] و [۹۳] پس از رسیدگی بحساب بتوسط دفتر دار کل بر رئیس محکمه مرجع داده می شود رئیس محکمه یکی از مستشاران را با اطلاع اعضاء آن محکمه برای رسیدگی بر رایورث ممیز معین می نماید و در دفتریکه در ماده [۸۷] ذکر شده تاریخ و وزیکه ممیز صورت حساب را تسلیم دفترخانه کرده است یادداشت می شود.

**فهیوم الملک** - مواد اول را ۹۱ و ۹۴ بنویسند و بعد ماده آخر را (۹۷) بنویسند.

**پیشنهاد وزیر**

**نایب رئیس** - رأی میگیریم بر این ماده بطریقیکه خوانده شد آقایانیکه تصویب مینمایند قیام نمایند (با کثرت تصویب شد.)

**نایب رئیس** - بقیه شور این مواد می ماند برای جلسه آتی. از آقایان اعضاء کمیسیون اصلاح نظامنامه انتخابات متنی هشتم که پس از ختم جلسه جمع شده هیئت رئیس خودشان را انتخاب نمایند.

**نایب رئیس** - در اولین ازمته امکان هر چه زودتر خوبست و لازم است حاضر شوند و هیئت رئیس خودشان را انتخاب نمایند.

**سلیمان میرزا** - اشخاصی را که بجهت کمیسیونها انتخاب می کنند بجهت این است که برسد چون کمیسیون بودجه بودجه هایش رسید - دولت کمیسیون بودجه خیلی کم است بجهت اینکه جلسات فوق العاده متعقد خواهد شد و بنده هم در کمیسیون بودجه هم در کمیسیون عدلیه عضویت دارم و وقت حضور در کمیسیون پروگرام راندارم و راضی هستم کمیسیون پر گرام استعفا می دهم و تقاضا می کنم يك نفر بجای بنده از برای کمیسیون پروگرام منتخب فرماید و ضمناً عرض می کنم آقایان که برای کمیسیون اصلاح نظامنامه انتخابات معین شده اند نباید بدانند که نظامنامه انتخابات برای این دوره لازم است و باید در این دوره تمام بشود الا بنده است که این آقایان انتخاب شده اند و هنوز هیئت رئیس خودشان را انتخاب نکرده اند در کمیسیونها برسد که مثل بنده استعفا بدهند اگر می توانند که مشغول شوند ملاحظه کنند انتخابات دوره دیگر چه خواهد بود و باین ترتیب اگر بگذرانند همین طور نظام نامه مهمل خواهد ماند.

**ارباب کیخسرو** - چون چند مرتبه در اینجا بعضی نمایندگان اظهاری کردند و شاید در بعضی اذهان هم اثری کرده باشد چنانچه در خارج هم از بنده سؤال کرده اند چون راجع با اداره مباشرت بود لازم است که بنده توضیح بدهم چند مرتبه در اینجا بعضی از آقایان اظهار کردند که مجلس روزی هفتصد تومان مخارج دارد بنده نفهمیدم که از زوری چه مأخذی فرموده اند در صورتی که صورت آن با اداره مباشرت است بنده اینجا فقط بطور اختصار حساب از اول حمل تا حالا را میگویم تا موقعیکه صورت حساب مفصلاً داده شود مخارج مجلس به استثنای اثاثیه در مدت هشت ماه هفتاد و نه هزار و شصت و چهار و پنج تومان و نه هزار و پنجاه و پنج است از قرار روزی ۳۳۳۸۵۳۳ سیصد و سی و سه تومان و هشت هزار و نصد و سی و سه دینار مطلب دیگر که لازم است عرض کنم تا اذهان مسبوق باشد این است که تصور نشود که مخارج روضه خوانی یا ارسال و ارسال رطبی بودجه مجلس ندارد در سال گذشته و امسال این مخارج را آقایان نمایندگان خودشان شخصاً متحمل شدند و هیچ ربط بودجه مجلس نداشته و ندارد و آن حساب روزی هفتصد تومان را اگر آقایانیکه اظهار داشته اند از زوری جلسات مجلس محسوب داشته اند باید متذکر این باشند

**نایب رئیس** - رأی میگیریم بر این ماده بطریقیکه خوانده شد آقایانیکه تصویب مینمایند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند و با کثرت تصویب شد.)

**فهیوم الملک** - مواد اول را ۹۱ و ۹۴ بنویسند و بعد ماده آخر را (۹۷) بنویسند.

**پیشنهاد وزیر**

ماده ۹۶ - هر گاه ممیز در ضمن تحقیقات و رسیدگی ملاحظاتی از باب اداره متبوعه صاحب جمع داشته باشد رایورث جداگانه نوشته منضم بصورت حساب خواهد کرد.

**نایب رئیس** - رأی میگیریم بر این ماده بطریقیکه خوانده شد آقایانیکه تصویب مینمایند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند و با کثرت تصویب شد.)

**فهیوم الملک** - مواد اول را ۹۱ و ۹۴ بنویسند و بعد ماده آخر را (۹۷) بنویسند.

**پیشنهاد وزیر**

**پیشنهاد وزیر**

که کار آقایان نمایندگان فقط در روزهای مجلس نیست سایر ایام هم در کمیسیونها مشغول کار هستند پس نباید از روی عدم جلسات مخارج مجلس را محسوب داشت.

**محمد هاشم میرزا** - میخواستیم عرض بکنیم کمیسیون نظام نامه انتخابات که در بیستم ذیحجه انتخاب شده است و آقایان بطور کلی اعتراض می کنند با اعضاء آن که تا بحال حاضر نشده اند هیئت رئیس خودشان را انتخاب نمایند این اعتراض بطور عموم وارد نیست بجهت اینکه یکی از اعضاء کمیسیون بنده هستم و همیشه حاضر بوده ام و هم چنین بعضی دیگر حاضر بوده اند پس بطور عموم نفرمایند و تقصیر را بکارت تمام دوازده نفر بگذارید

**فهیوم الملک** - قسمت اول عرض بنده راجع به فرمایش آقایان بود که بعد از چند روز ان کمیسیون هیئت رئیس خودشان را معین نکرده اند در صورتی که تا بحال رایورث خودشان را باید بچشم داده بود پس این تصمیم انتخابات کمیسیونها خواهد شد تا این اواخر و نمایندگان در ایام آقا سید علی آقای یردی نمایند نیشان در مجلس تصویب شد و هیچکدام از آنها بچشم نیامده اند حالا در نمایندگان مانده است در اینجا حاضر نیستند آقای آقا سید علی یردی که در طهران تشریف دارند و از مجلس بایسان اظهار شده است به بچشم تشریف آورده اند به جواب رد داده اند درم است از طرف هیئت رئیس تحقیقی شود در ایسان بفرموده است چرا تشریف نمی آورند و سه صد ملی مجلس مدتی است همینطور حالی مانده است اگر می آید يك جواب سریع بدهند که تحلیف معلوم شود.

**نایب رئیس** - از طرف هیئت رئیس بایشان نوشته شده است ولى جواب نمی دهند.

**حاج آقا** - ان اعتراضاتی که بکمیسیونها همیشه میشود حالا هم میشود بنده هم همیشه این اعتراض را داشتم که حاضر نمیشوند و کار نمی کنند و مخصوصاً يك کمیسیون که کمیسیون تفسیر بود و يك مطلبی با رجوع شد يك قانون محاسبات عمومی را که مدتی وقت مجلس صرف از شد برای این يك ماده که رجوع به او شده است مهمل مانده است مدتی است نمی دانم چه شده است که بکلی خبر از او نداریم و کمیسیون تفسیر ندانم تفسیر يك ماده را چند ماه چند سال می خواهد تعقیب بیندازد و این قانونی که چند ماه وقت صرف آن شده است اینطور مهمل باشد واقلاً گذرد که بواسطه آن يك اداره مطابق قانون تشکیل شود.

**حاج شیخعلی خراسانی** - تعطیل و عدم پیشرفت کارهای مانده از این است که بنظامنامه داخلی عمل نمیکند در نظامنامه داخلی يك ماده است که هیچکس نمی تواند در بیشتر از دو کمیسیون عضویت داشته باشد و هیچ نوشته است کمیسیونهای دائمی یا موقتی اگر آقایان يك چنین ماده ای پیدا کردند بفرمایند بجز در کمیسیون محاسبات و کمیسیون که محل رسیدگی باعتبار نامه است که این دو کمیسیون استثناء شده است و ما بکعبه اعضائی در مجلس داریم بواسطه

**نایب رئیس** - از طرف هیئت رئیس بایشان نوشته شده است ولى جواب نمی دهند.

**حاج آقا** - ان اعتراضاتی که بکمیسیونها همیشه میشود حالا هم میشود بنده هم همیشه این اعتراض را داشتم که حاضر نمیشوند و کار نمی کنند و مخصوصاً يك کمیسیون که کمیسیون تفسیر بود و يك مطلبی با رجوع شد يك قانون محاسبات عمومی را که مدتی وقت مجلس صرف از شد برای این يك ماده که رجوع به او شده است مهمل مانده است مدتی است نمی دانم چه شده است که بکلی خبر از او نداریم و کمیسیون تفسیر ندانم تفسیر يك ماده را چند ماه چند سال می خواهد تعقیب بیندازد و این قانونی که چند ماه وقت صرف آن شده است اینطور مهمل باشد واقلاً گذرد که بواسطه آن يك اداره مطابق قانون تشکیل شود.

**حاج شیخعلی خراسانی** - تعطیل و عدم پیشرفت کارهای مانده از این است که بنظامنامه داخلی عمل نمیکند در نظامنامه داخلی يك ماده است که هیچکس نمی تواند در بیشتر از دو کمیسیون عضویت داشته باشد و هیچ نوشته است کمیسیونهای دائمی یا موقتی اگر آقایان يك چنین ماده ای پیدا کردند بفرمایند بجز در کمیسیون محاسبات و کمیسیون که محل رسیدگی باعتبار نامه است که این دو کمیسیون استثناء شده است و ما بکعبه اعضائی در مجلس داریم بواسطه

**نایب رئیس** - از طرف هیئت رئیس بایشان نوشته شده است ولى جواب نمی دهند.

**حاج آقا** - ان اعتراضاتی که بکمیسیونها همیشه میشود حالا هم میشود بنده هم همیشه این اعتراض را داشتم که حاضر نمیشوند و کار نمی کنند و مخصوصاً يك کمیسیون که کمیسیون تفسیر بود و يك مطلبی با رجوع شد يك قانون محاسبات عمومی را که مدتی وقت مجلس صرف از شد برای این يك ماده که رجوع به او شده است مهمل مانده است مدتی است نمی دانم چه شده است که بکلی خبر از او نداریم و کمیسیون تفسیر ندانم تفسیر يك ماده را چند ماه چند سال می خواهد تعقیب بیندازد و این قانونی که چند ماه وقت صرف آن شده است اینطور مهمل باشد واقلاً گذرد که بواسطه آن يك اداره مطابق قانون تشکیل شود.

**حاج شیخعلی خراسانی** - تعطیل و عدم پیشرفت کارهای مانده از این است که بنظامنامه داخلی عمل نمیکند در نظامنامه داخلی يك ماده است که هیچکس نمی تواند در بیشتر از دو کمیسیون عضویت داشته باشد و هیچ نوشته است کمیسیونهای دائمی یا موقتی اگر آقایان يك چنین ماده ای پیدا کردند بفرمایند بجز در کمیسیون محاسبات و کمیسیون که محل رسیدگی باعتبار نامه است که این دو کمیسیون استثناء شده است و ما بکعبه اعضائی در مجلس داریم بواسطه

**نایب رئیس** - از طرف هیئت رئیس بایشان نوشته شده است ولى جواب نمی دهند.

علمیت آنها را بوسائط دیگری هر کمیسونی که می خواهم انتخاب کنیم همانها را انتخاب می کنیم در کمیسون فوق العاده همان اشخاص هستند در کمیسون تفسیر همان اشخاص هستند در کمیسون پروگرام همان اشخاص هستند در کمیسون عدلیه هم آنها هستند کمیسون اصلاح امرنان همان اشخاص هستند و هر چه کمیسون ما انتخاب می کنیم همان اشخاص هستند و این يك محظوری برای ما شده است که کارها پیشرفت نمی کند و بنده خواهش میکنم از آقایان که در تمام نظامنامه داخلی نظر کنند اگر يك ماده یافتند که يك نفر بتواند در بیش از دو کمیسون عضویت پیدا بکند باستثناء کمیسون محاسبات و رسیدگی باعتبارنامه ها که بنده حرفی ندارم و اگر چنین ماده در نظامنامه داخلی نیست و بنده عرض می کنم نیست تمام کمیسونهایی که انتخاب شده است غلط است و در ثانی باید تجدید انتخاب شود.

**نایب رئیس** - تصور می کنم که آن مواد نظامنامه راجع به کمیسونهای دائمی باشد و در کمیسونهای موقتی بتوانند در بیش از دو کمیسون عضویت داشته باشند

دستور جلسه آتی بقیه همین دستورا روز است بملاوه انتخاب يك نفر منشی برای هیئت رئیسه .  
مجلس يك ساعت از شب گذشته ختم شد .

**جلسه ۲۰۵**

**صورت مشروح روز پنجشنبه**

**دوم شهر صفر ۱۳۲۹**

مجلس دو ساعت و ربع قبل از غروب آفتاب ریاست آقای ممتازالدوله منعقد گردید .  
صورت جلسه قبل را آقای معاضدالملک قرائت نمودند .

غائبین جلسه قبل : حاج سید نصرالله .  
ذکاءالملک . مستشارالدوله . ممتازالدوله . وحیدالملک مؤتمن الملک . سیداراعظم بدون اجازه حاج وکیل الرعایا . آقا سید حسین اردبیلی . آقا شیخ اسدالله در موقع مقرر حاضر نشده اند - آقا سید محمد باقر ادیب مریض .

**رئیس** - در صورت مجلس ملاحظه که هست بفرمائید « اظهاری نشد صورت مجلس را رئیس امضاء نمود » .

**رئیس** - آن روز در موقع انتخاب رئیس بنده اینجا نبوده ولی در جلسات قبل که بودم از اغلب آقایان خواهش کرده بودم که بنده را انتخاب نفرمائید بریاست علتی هم که داشت همان کسالت مزاج بوده و الاعدت دیگری نداشتم ولی در قیاب بنده را انتخاب کردند چون مدت زیادی نمانده است بجدید انتخاب هیئت رئیسه و فقط چند جلسه باقی است بنده اطاعت می کنم و قبول میکنم و اهمیت می دهم که این مسئله را بمرض آقایان برسانم در این چند جلسه موقتی بنده را بکلی بیطرف بدانند جز هیچ حزبی و منصوب هیچ فرقه ای ندانند و در کمال بی طرفی در این خدمت در ادای تکلیف ریاست حاضر می و می توانم عرض کنم که خیلی مطمئن باشید و باز تکرار می کنم

عرض خودم را که چند جلسه بیشتر نمانده است بجدید انتخاب هیئت رئیسه و بطور موقتی قبول می کنم و بعد را نمی توانم قبول کنم برای اینکه علت مزاجی بکلی مانع است - در اینموقع عریضه آقا سید محمد باقر ادیب که تقاضای اجازه مرخصی « ۱۲ » روزه برای استعمال مراج کرده بودند قرائت شد و کمیسون عریض و مرخصی هم مرخصی دوازده روزه ایشان را تصویب کرده بود .  
**رئیس** - این عریضه ایست که آقا سید محمد باقر ادیب بمجلس عرض کرده و کمیسون عریض و مرخصی هم تصویب کرده است حالا موقوف است بتصویب مجلس مقدس مخالفی نیست « اظهاری نشد »  
**حاج شیخ الرئیس** - مخالفی نیست ناخوش هستند باید بایشان اجازه داده شود .

**رئیس** - پس می توانیم اجازه مرخصی [۱۲] روزه بایشان بدهیم .

**بجهت** - بنده چون مخبر کمیسون عریض و مرخصی هستم محض استحضار خاطر آقایان باید عرض کنم که ایشان مریض هستند و فقط برای [۱۲] روز نیست « ۱۲ » جلسه است بجهت اینکه مرص يك چیز اختیری نیست بعهده بنده تا ایشان مریض هستند باید مجلس اجازه بدهند .

**رئیس** - خودش در عریضه « ۱۲ » روز خواسته است - و دستور امروز مجلس یکی انتخاب يك نفر منشی است و قانون عقیدت قانون بودجه راجع بوزنه مجاهدین مقبول تجدید کنترات مسیو مولیتر و بقیه قانون دیوان محاسبات لا شروع می کنیم با انتخاب يك نفر منشی بجای آقا میرزا مرتضی قلیخان .

« اظهار شد آخر جلسه » خوب پس میگذاریم آخر جلسه .

**حاج سید ابراهیم** - چون دستور آن روز که معین شد بقیه قانون دیوان محاسبات بوده حالا این ترتیبی را که رئیس فرمودند غیر از آن ترتیبی است که آنروز نایب رئیس اعلام کرد .

**رئیس** - مطابق است با آن دستوری که آنروز گفته شده است قانون دیوان محاسبات هم هست .

**منتصر السلطان** - بنده در دستور عرض داشتم بموجب نظامنامه داخلی ممکن است که يك نماینده تقاضائی در دستور کند تقاضای بنده این است که مستخدمین امریکائی در کمیسون بودجه گذشته است طبع و توزیع هم شده است اگر امروز جزء دستور شود خیلی مفید است .

**رئیس** - بسیار صحیح است ولی این بیست و چهار ساعت نشده است که طبع و توزیع شده در هر صورت به بنده امروز رسیده است و همین طور بسایرین در دستور روز شنبه میگذاریم .

**کاشف** - در موضوع انتخاب يك نفر منشی که بعضی از آقایان اظهار کردند که در اواخر جلسه باشد این اظهار را بسایرین تصویب نکردند و بنده عرض میکنم که در آخر جلسه چون اغلب آقایان میروند بهتر است حالا انتخاب شود .

**رئیس** - گویا اول و آخری نداشته باشد اگر مخالفی نیست حالا شروع می کنیم به انتخاب يك نفر منشی .

**آقا میرزا یانوس** - بنده يك چند کلمه می خواهم عرض کنم در خصوص انتخاباتی که ما در مجلس اجرا می داریم از وقتی که بنده این جا وارد شده ام چند انتخاباتی شده است هیچوقت (کاندید) نکرده اند و من هیچ ندیده ام و هیچوقت رسم مجلس نیست که يك چند نفر را (کاندید) بکنند و بعد شروع با انتخاب بشود البته بعضی هستند که بین خودشان مسبق هستند که کی را باید انتخاب کنند ولی بعضی هستند که مثل من تک هستند مثل اینکه در انتخاب رئیس بنده فقط بد کتر علیخان رأی دادم در صورتیکه نمی دانستم کی را میخوانند انتخاب کنند مثلا امروز انتخاب منشی میخوانند بکنند و بنده نمی دانم کی ایقت آنرا دارد و اگر بی (کاندید) شروع با انتخاب شود بنده يك نفر مجبورم وره سفید بیدارم برای اینکه کسی را نمی شناسم که ایقت آنرا داشته باشد عجالنا خوب است دوسه نفر را (کاندید) معین کنند که آراء نفرس پیدا کند در اطراف این دوسه نفر که بداند لی را انتخاب باید کرد و الا بدون (کاندید) بنده چون نمی شناسم اول کسی هستم که وره سفید حوامم داد (در این موقع شروع با انتخاب کردید) .

آقایان افتخار الواعظین - دکتر امیر خان - شاهزاده حیدر میرزا بخدمت درعه معین بانفاق حاج پیرا رضاخان برای استخراج آراء حاضر شدند .  
نتیجه را آقای معاضد الملک از فرار ذیل اعلام داشتند :

**معاضد الملک** - عده نمایندگان حاضر (۷۵) فهیم الملک با (۳۳) رای آقا میرزا رضای نائینی (۸) رای و آقا میرزا رضای مستوفی (۴) رای ادیب التجار (۳) رای آقایان لسان الحکماء - حاج آقا مصدق الممالک (۲) رای سایرین هر يك با يك رای **رئیس** - چون انتخاب منشی باید با کثرت تام باشد پس نتیجه از این انتخاب حاصل نشد .

**ارباب کیخسرو** - بنده عقیده ام این است که چون تردیدی از برای بعضی حاصل شده بود برای اینکه آقای فهیم الملک اظهار کرده بودند که قبول نمیکنم غالباً اسم ایشان را ننوشته اند بنظر چون ایشان کفایت دارند نسبت امتحاناتی که از ایشان دارند و این مقام شایسته ایشان است استدعا می کنم که قبول فرمایند و دو باره تجدید انتخاب شود و عقیده بنده این است که اکثریت تام هم حاصل خواهد شد ولی مشروط بر اینکه خودشان قبول این زحمت را بکنند .

مجدد شروع باخذ آراء گردید - نتیجه را آقای معاضد الملک بمضمون ذیل اعلام داشتند :

**معاضد الملک** - عده نمایندگان حاضر ۷۵ ورقه سفید (۹) فهیم الملک با کثرت (۵۱) رای آقا میرزا رضای نائینی [۷] رای سایرین هر يك با (۱) رای .

**رئیس** - با کثرت تام آقای فهیم الملک انتخاب شدند انشاء الله مبارک است .

**فهیم الملک** - راجع بتقاضای آقای منتصر السلطان در ماده (۲۶) نظامنامه داخلی می نویسند در خصوص طرح و لوایح قانونی که (رایورت مزبور